

**روز یکشنبه بر گزار می شود
بزرگداشت ۷۰ سال مجاهدت
فرهنگی مرتضی آخوندی**



مراسم تجلیل از مرتضی آخوندی، یکی از کهنه کارترین ناشران کشور در چهلمین سال انقلاب اسلامی می‌شود. به گزارش «وطن‌امروز»

این مراسم به همت خانه کتاب، مجمع ناشران انقلاب اسلامی و دیگر تشکل‌های نشر کشور، عصر روز یکشنبه هفتم مرداد در پژوهشکده فرهنگ، هنر و معماری جهاد دانشگاهی برگزار خواهد شد. در این مراسم، احمد مسجدجامعی و محمدحسین صفارهرندی ۲ وزیر اسبق فرهنگ و ارشاد اسلامی حاضر خواهند بود. همچنین حسین استاد ولی، مؤلف، محقق، مترجم و مصحح در حوزه علوم قرآنی و مصطفی زمانی، مدیر باسابقه نشر پیام آزادی و انتشارات زیارت از دیگر سخنرانان این مراسم هستند. مرتضی آخوندی متولد ۱۳۲۱ فعالیت حرفه‌ای در حوزه نشر را در سال ۱۳۳۹ آغاز کرد. او با پیروی از پدرش، مرحوم حاج شیخ محمد آخوندی، موسس انتشارات دارالکتب الاسلامیه، توانست طی چند دهه تلاش در سمت مدیر این انتشارات، کتب ارزشمند بسیاری را از نویسندگان برجسته و عالمان بزرگ به بازار نشر و علاقه‌مندان کتاب عرضه کند. وی با ۷۶ سال سن همچنان در این عرصه به عنوان یکی از باسابقه‌ترین ناشران خصوصی کشور مشغول کار است. عموم اهالی نشر و دوستداران کتاب و کتابخوانی می‌توانند روز یکشنبه ۷ مرداد از ساعت ۱۷ تا ۱۹ در سالن همایش‌های پژوهشکده فرهنگ، هنر و معماری جهاد دانشگاهی که به نشانی تهران، خیابان انقلاب اسلامی، بین ولیعصر (عج) و فلسطین، نبش خیابان برادران مظفر جنوبی، شماره ۱۱۷۶، در این مراسم شرکت کنند.

کتاب

«سنگر عارف‌ها»

به کتابفروشی‌های می‌آید

مجموعه «سنگر عارف‌ها» با نگاهی طنز منتشر می‌شود. این اثر در حوزه ادبیات دفاع‌مقدس نوشته شده است. به گزارش تسنیم، اکبر صحرایی، نویسنده، با اشاره به انتشار اثر جدید خود گفت: «مجموعه «سنگر عارف‌ها»



عنوان یکی از آثار جدید است که بزودی منتشر خواهد شد. این اثر طنز در حوزه دفاع‌مقدس نوشته شده که تلاش دارد نگاهی جدید به حوادث جنگ تحمیلی داشته باشد. این مجموعه در ۷ جلد به چاپ خواهد رسید. «سنگر عارف‌ها» داستان افرادی را در جنگ تحمیلی نقل می‌کند که معمولاً به کار گرفته نمی‌شدند و سعی می‌کردند با شوخ‌طبعی خود را سرگرم کنند. برخی از شخصیت‌های مجموعه «دار و دسته دارعلی» نیز در این مجموعه حضور دارند. صحرایی با بیان اینکه این اثر جدید شامل ۵۵ داستان کوتاه است، یادآور شد: این اثر از سوی انتشارات کتابستان معرفت به چاپ می‌رسد همچنین چاپ جدید کتاب «همپاره‌های خواب‌آلود» با تصویرگری جدید از سوی همین انتشارات روانه بازار کتاب خواهد شد.

سینمای جهان

رابرت دنیر و به دنیای جوگرهای رود



رابرت دنیر در حال مذاکره است تا به جوآکین فینیکس در فیلمی درباره جوگر ملحق شود. به گزارش مهر به نقل از واریتی، فیلم بی‌عنوانی که قرار است توسط تاد فیلیپس درباره جوگر ساخته شود قصد دارد از حضور رابرت دنیرو هم بهره بگیرد. منابع می‌گویند رابرت دنیرو در حال مذاکره است تا در این فیلم در نقش یک مجری برنامه‌های تلویزیونی ایفای نقش کند. وی عامل موثری است که موجب می‌شود شخصیتی که فینیکس نقش او را بازی می‌کند دچار جنون شده و به یک جانی بدل شود. دست‌اندرکاران این پروژه گفته‌اند فیلمنامه این فیلم با فیلم «سلطان کمندی» دنیرو پیوند زیادی دارد که درباره کمندی است که یک مجری پرمخاطب تلویزیونی را می‌ریاید تا به این وسیله مشهور شود. اکنون اگر دنیرو در نقش مجری بازی کند، نقش‌های او جابه‌جا می‌شوند. تولید این پروژه از اواخر سال ۲۰۱۸ آغاز می‌شود. «سلطان کمندی» پنجمین همکاری مارتین اسکورسیزی با رابرت دنیرو و با بازی متفاوت جری لوئیس در سال ۱۹۸۳ ساخته شد. این فیلم جوچیهایی تیره و تار درباره رسانه و شهرت است که به وضوح با فیلم‌های پرشوری که اسکورسیزی تا به آن زمان ساخته بود تفاوت داشت.

۱- جواد محقق را همه به شاعری می‌شناسند، در صورتی که به گفته خودش، او در آغاز بیشتر تمایل به داستان‌نویسی داشت. محقق شاعری است بسیار فعال و خستگی‌ناپذیر، با ظاهریری از دور تنبل در تنظیم و تدوین اشعار و آثار خودش برای چاپ شدن اما گویا این ظاهر قضیه است، چرا که وسواس و شاید هم دقت بیش از حد او در کار سبب می‌شود که آماده کردن هر کاری انجامش به طول بینجامد. دفتر شعر «در کوچه‌های کرایوا» دفتر سفرسوده‌ها یا اشعار سفر او است. شعرهای این دفتر همگی تاریخ دارد و مکان سرایش شعرها نیز قید شده است. علاوه بر این، تاریخ اشعار به ترتیب آمده است. بیشتر شعرهای این دفتر هم در شهرهای کشورهای شرقی سروده شده است. شعرهای این دفتر غزل و نیمایی است، به علاوه چند شعر سپید. محقق در شعر نیمایی بسیار باتجربه و ویژه عمل می‌کند و اشعار سپیدش نیز آهنگین است؛ غزل‌هایش نیز زیبا و دلنشین است اما با این همه، محقق را باید شاعر نیمایی دانست، چرا که در این شیوه مسلط‌تر و بهتر و زیباتر از ترانه‌های دیگری می‌سراید. یعنی او این زبان سالم و بیان روان در شعر نیمایی، حتی صاحب سبک است، منتها تا حالا کسی در این امر غور نکرده تا این امر را و ویژگی‌های دیگر شعر نیمایی محقق را دریابد؛ بویژه در دورهای که اینگونه کارها ضرورت هم دارد، چرا که یکی از زیباترین قالب‌ها و شیوه‌ها کم‌کم دارد از رونق و حتی رواج می‌افتد. در واقع شناساندن یک شاعر نیمایی صاحب سبک دیگر در کنار یکی دیگر از شاعران صاحبان و صاحب سبک دیگر بعد از انقلاب همچون قیصر امین‌پور، ادای دینی است به شعر، به ۲ شاعر و بالطبع به شعر نیمایی.

محقق در مقدمه این مجموعه نیز در ستایش و در تعریف از سفر و حاصل و فایده‌های آن بسیار گفته است و چند مثال خوب هم آورده از گونه که می‌گوید: «من وقتی روم را دیدم متولد شدم.» و از ریلکه که گفته: «شعر محصول تجربه است و سفر سرشار از تجربه‌هاست.» و از قرآن مجید گفته که فرموده است: «سفر کنید و از کارهای پیشینیان‌تان عبرت بگیرید...». باید گفت، به واقع چنین است اما تجربه‌های بیرونی تا درونی نشوند به شعر در نمی‌آید یا اینکه در کل شعر محصول تجربه‌های درونی است. بی‌شک سعدی نیز تجربه‌های سفری خود را که بیرونی بوده، در لحظاتی تبدیل به سیر و سفری و حال و استحاله‌ای درونی می‌کرده تا تبدیل به شعر شود.

۳- و اما شعرهای جواد محقق؛ مضمون «غریبی» که حاصل یکی از بهترین و شاید هم شیرین‌ترین تجربه‌های سفر است و با آن خلوص غیرقابل توصیفی نیز همراه است، می‌تواند منبع پرفیضی برای شاعر و تعالی روح او یا هر انسان دیگری باشد.

سینما
احسان سالمی: کانون کارگردانان سینمای ایران در حالی به بهانه عدم حضور چهره‌های سینمایی در هیات انتخاب فیلم برای اسکار فیلم خارجی خوستار و انگاری این هیات به خانه سینما شده که در سال‌های پیش ترکیب این هیات همواره شامل ترکیبی از هنرمندان بوده است. به گزارش «وطن امروز» پس از آنکه سال گذشته ترکیب کانون کارگردانان سینمای ایران با حضور فیلمسازان پرحاشیه‌ای همچون محسن امیریوسفی و رضا درمیشیان و تضعیف حضور چهره‌های پیشکسوت در ترکیب تصمیم‌گیرنده این کانون تغییر کرد، اتفاقات عجیبی به نام این کانون در فضای سینمایی کشور رقم می‌خورد. همین چند ماه پیش بود که نامه‌ای از سوی اعضای این کانون خطاب به رئیس جمهور منتشر شد که در آن از حسن روحانی خواسته شد شرایط حضور چهره‌های را در جشنواره فیلم کن امسال فراهم کنند. این در حالی بود که پناهی طی دوران محکومیت قضایی خود که البته هنوز

**یادداشتی بر دفتر شعر «در کوچه‌های کرایوا»ی جواد محقق
من از قونیه می‌آیم**

وارش گیلانی



در واقع غریب بودن در دیار غربت با تنهایی همساز است و تنهایی موقعیت و وضعیتی است غریب که به دست می‌آید:

«باشی اگر روی هیمالیای غربیی

چه دانی ز مقیاس جغرافیای غربیی

سحر نوبت ماست بر خاک غربت نشستن

به نوبت بچرخد اگر آسیای غربیی».

در سفر، نه تنها غربت و غربیی که تقدیر انسان هم رقم می‌خورد؛ در واقع جاده‌های سفر، جاده‌های تقدیر آدمی نیز می‌شود. محقق از این موضوع هم در مضمون‌سازی و مفهوم شعر خود استفاده کرده است:

«من دل گر قدم‌هایت ز راه پیر برگردد

سوار سرنوشت از جاده تقدیر برگردد».

جاده‌های رو به جلوی سفر

یک خاصیت خوب دیگری

نیز دارد و آن اینکه تو را به

گذشته، به یادگاری‌ها و یادها،

به دوستانی که اینک دورند از

تو، نزدیک می‌کند و همه اینها

برای شاعر می‌شود انگیزه و تجربه‌ای برای سرودن.

«امروز هم کنج غربت، نام تو را می‌سرایم

نام تو را که عزیزی، مثل همیشه برایم

یاد تو ماندن یک راز، سر می‌دهد با من آواز

یعنی به تو می‌رسد باز، از کنج غربت صدام

شبه‌های تنهایی‌ام را، پر کرده‌ای با خیالت

حالا کجایی که من هم، با سر به سویت بیایم

ترسم براندازد از بیخ، بنیان بیبایی‌ام را

سیلی که می‌آید امشب، از دره چشم‌هایم».

۴- از غزل‌های جواد محقق که بگذریم، به شعرهای نیمایی او می‌رسیم. شعرهای نیمایی محقق از جمله

کارهای است که می‌تواند حتی برای تدریس و

تبیین شعرهای نیمایی، منبع و مثال خوب و درست

و سالمی باشد. در واقع محقق از یک الگوی کلی که

اشعار نیما و شاگردان او است، به الگو و شاخه‌های

خود در شعر نیمایی دست پیدا می‌کند؛ حتی در

انتخاب زبان نیز تاثیرپذیری‌اش به قاعده است. یعنی

به گونه‌ای از یک کلیت عموم الگو برمی‌دارد که در

نهایت تبدیل به زبان خودش می‌شود:

«باری هزار بار / گفتم بهار تازه‌تری هست / پرپرتر

ز شاخه بیداری / باید در آن طراوت بی‌مانند / جان را /

به موج معجزه / معنا داد...»

محقق اشعار نیمایی‌اش را بیشتر در وزن «مفعول

فاعلاتن مفاعیل» می‌سراید؛ وزنی که به نثر آهنگین

نزدیک است؛ آهنگی که ملایم و نرم و سبک است.

دیگر اینکه شعرهای نیمایی

محقق اصلاً پیچیده نیست و

در سادگی خود نیز فریخته

است؛ شعری که بیشتر ستایش

و توصیف می‌کند:

«ایران / ای خاک مردخیز

دلبران! ای جان‌پناه مادری من / چه می‌کنی / با

زخم‌های آن همه بیداد / وقتی که شانه‌های صورت

را / آماج تیغ‌های ستم دارند؟»

آری! شعرهای محقق بیشتر ساده و توصیفی که

در یک وزن جای گرفته است، از این رو کمتر اهل

کشف و مکاشفه و حتی معناگشایی هستند که البته

در ذیل یک نمونه‌اش را می‌بینیم:

«ای کاش / توکل پرندگانم بود / که تشنه

برمی‌خیزند / گرسنه بال می‌زنند / و سیر و سیراب /

در خواب می‌روند / ای هیچ دغدغه فردا».

۵- یکی از زیباترین و مشهورترین اشعار محقق، شعر



«مرا یاری گفتن نیست» نام دارد که معروف است به «من از قونیه می‌آیم»؛ یک شعر کاملاً توصیفی اما زبان و نگاه تکامل‌یافته شاعر توانسته از یک شعر توصیفی، یک شعر حماسی‌وار در حال و هوای مولانا بسازد: «من از قونیه می‌آیم / من از دیدار آن تنهاترین مردی / که در پس کوچه‌های شهر می‌گردد / و انسان آرزو می‌کرد / خادمردی که بار آن همه اندیشه را / بر شانه‌های حکمتش می‌برد / و در شب‌های تنهایی / بی‌غمی حاصلی‌های مرا می‌خورد / من از قونیه می‌آیم / یاد / هر حاصلی‌های مرا می‌خورد / من از قونیه می‌آیم / یاد / هر خورجین خیالم را / پر از پند کسی کردم / که هر شب از / پری‌ساران شعرش / با دل من / گفت‌وگو می‌کرد / و طبعم را / به اعجاز کلامی تازه / جان می‌داد / جانم را / به جادوی سخن / در شطی از شعر زلالش / شست‌وشو می‌کرد / و مرورید معنا را نشان می‌داد / من از قونیه می‌آیم / هنوز از غربت این شهر / صدای او - ملول از دیو و دد- دنبال انسان / بازمی‌آید / دلم آغشته اندوه این تنهایی تله است / مرا یاری گفتن نیست! / تو را گوش شنیدن هست؟»

شعر، شروع بیدارکننده و هوشیاری‌دهنده‌ای دارد و به زیباترین شکل ممکن آغاز شده است و توصیف‌ها در حد اعلاست با وزنی که تناسب خود را با آن حفظ کرده است. شاعر به گونه‌ای حرف می‌زند که انگار از مزار مردی پیامبر گونه می‌آید و به گونه‌ای توصیفش می‌کند که در این حد است؛ توصیف‌هایی همه با وجه و با ابهت و به فصیح‌ترین شکل و بلیغ‌ترین نوع موجود. توصیف محقق از مردی پیامبر گونه که شاعر هم هست و نیز توصیفی اینچنین متضاد، توانسته به زیباتر شدن شعر و توصیف‌ها کمک کند. در ضمن، شعر «در کوچه‌های کرایوا» که نام کتاب محقق از آن گرفته شده، یکی از زیباترین شعرهای این دفتر است.

(کارگردان، مجید انتظامی (آهنگساز)، محمد بزرگنیا (کارگردان)، کمال تبریزی (کارگردان)، سیدجمال ساداتیان (تهیه‌کننده)، رسول صدرعاملی (کارگردان)، جواد طوسی (منتقد)، رضا کبائیان (بازیگر) و امیر اسفندیاری (معاون بین‌الملل بنیاد سینمایی فارابی) می‌شد با این تفسیر مشخص نیست در شرایطی که فقط یک نفر از این هیات ۹ نفره از مدیران سازمان سینمایی است، چگونه کانون کارگردانان ادعا می‌شده چون کار این کمیته تاکنون در اختیار اهالی سینما نبوده، باید از این بعد در اختیار خانه سینما قرار بگیرد؟! ادعایی که به نظر می‌رسد شبیه همان بهانه‌های همیشگی گروهی از اهالی سینما در ارتباط با دولتی بودن جشنواره فیلم فجر و لزوم توجه بیشتر اهالی سینما به جشن خانه سینما به جای جشنواره دولتی فیلم فجر است. تفکری که گویا این روزها با حضور چهره‌های پرحاشیه‌ای همچون امیریوسفی و درمیشیان در راس مدیریت کانون کارگردانان قرار است از این به بعد به شکل جدی‌تری دنبال شود.

زمان لازم صرف شود تا تصمیماتی مثل اقدام به قتل یا آن تصمیم نهایی مهسا قابل درک شود، فیلم از یک موقعیت به موقعیت دیگری می‌برد و اجازه نمی‌دهد مخاطب به شخصیت‌ها و رفتارهای آنها به اندازه کافی نزدیک شود. در عین حال با تمهیداتی مثل تصمیم نیلوفر برای صحبت کردن دوباره با مهسا (آن هم در شرایطی که معلوم نیست این گفت‌وگوی مجدد می‌تواند چه تاثیر مثبتی داشته باشد که کارهای قبلی نداشته) عملاً فیلم درگیر دور باطلی می‌شود که چون باز هم به آن وجه اشاره شده بی‌توجه است (مثلاً کیف نیلوفر را می‌زدند که خب! اسانا ربطی به چیزی ندارد!) در لحظات نه‌چندان کمی باعث ملال‌آور شدن آن هم می‌شود. اینها یعنی فیلمی که قرار بوده درباره «نوع مختلف مادر بودن» باشد و به آنها «ببرداره» دقیقاً همین مساله را نادیده گرفته و به هیچ‌کدام از مادرانش نپرداخته است! ۳- می‌شود آن موتور تعریف و تمجید از فیلم «غدغه‌مند» را روشن کنیم و مثل اغلب مواقع بدون هیچ فایده‌ای صفات تمام‌نشدنی مطلوب را به فیلم بچسبانیم، آن را برای بقیه تجویز کنیم و بعد خوشحال از انجام این رسالت فرهنگی سراغ کارهای بعدی‌مان برویم؛ هم می‌توانیم ناپدیدشان بگیریم و منتظر فیلم بعدی کارگردان باشیم اما آنچه مسلم است این است که بهروز شعبانی با همین آثارش را برای نمایش نمی‌توانیم با یک فیلم، به کلی قیدش را بزینم، حتی اگر آن یک فیلم «دارکوب» باشد.

درخواست عجیب کانون کارگردانان درباره هیأت انتخاب فیلم ایرانی برای اسکار

کارگردانی زیاده‌خواهی!



هم ادامه دارد، با دهن کجی به حکمی که بر اساس قانون برای او مشخص شده بود، اقدام به فیلمسازی کرده بود و حمایت کانون کارگردانان از چنین شخصیتی اتفاقی عجیب بود که باعث زبر سوال رفتن اعتبار و جایگاه این نهاد میان اهالی فرهنگ و هنر می‌شد. حالا اما در تازه‌ترین حاشیه ایجاد شده توسط این نهاد، کانون کارگردانان در نامه‌ای خطاب به محمدهدی حیدریان، رئیس سازمان سینمایی وزارت ارشاد، خواهان انگاری هیات انتخاب فیلم برای اسکار فیلم خارجی به خانه سینما شده است. در بخشی از این نامه آمده است: «همانگونه که مستحضرد مسؤولیت معرفی فیلم برای شرکت در اسکار فیلم

این شرایط را بهتر نمی‌کند چون اینجا «حواس‌شان بوده...» و «تصور قابل درکی...» و امثال این عبارات به قدری حداقلی هستند که دیگر نمی‌توانند به عنوان ویژگی مثبت قلمداد شوند. به علاوه برای فیلمی مثل «دارکوب» که آشکارا نسبت به «دهلیز» و حتی «سیناور» قدم رو به عقب محسوب می‌شود، این موقعیت جدید، سختگیرانه‌تر و طبیعتاً نامیدکننده‌تر هم می‌شود. وقتی در چنین وضعیتی دوباره دارکوب را می‌بینیم، متوجه می‌شویم همه چیز به همان ایدهمحوری محدود شده و هیچ پرداخت و دقت خاصی روی وجوه مختلف آن پیاده نشده است. صرفاً با موقعیتی مواجهیم که قرار بوده انواع مختلف «مادر بودن» در نشان دهد (مادر درو از فرزند: سارا بهرامی، مادر وابسته به فرزند دروغین: مهناز افشار،

امام زمان

فاطمه عبدالوند



گاه و بیگاه

پر که می‌شوم، از صدای خود
نخ‌نمای دلم که بیداد می‌کند
راهم را می‌گیرم
از راسته تردی‌ها، عبور می‌کنم
نبش دکان عطرباشی نفس می‌گیرم
به دنبال دم‌کرده‌ای برای آرامشم
که در این، دیار دردآلود

تسکینی باشد برای بی‌خوابی‌های گاه و بیگاهم
راهم را می‌گیرم، بدون هیچ توفقی
آدرسم را مرور می‌کنم
خدا کند، پیدایش کنم
تا دیدمش، فریاد بزنم
حراج کرده‌ام، دلی که در تمنای حبیب می‌سوزد
فقط برای تو
چشم بر هم زدن، در آغوشم بگیرد
میان این کسادی بازار خریدن
بشمار سه، بخرد مرا برای مسیرش
شاید قبولم کند به غلامی
و دخل دلم، پر از سکه‌های مهرش بشود...
نه اینکه نماز شبی
برای ظهورش اقامه کرده باشم
یا، صدای این الحسن و این الحسینم
دل سنگ را آب کند...
نه! اما میان نان بیار و کباب بریز روزگار
قنوتم را دعای فرج خوانده‌ام
نه اینکه مومن باشم به مهدی
ولی معتقدم به آمدنش...
مثل آمدن صبح...

مستند

پایان فصل اول «۳۶۰ درجه»

با «قطع برق»



آخرین قسمت از فصل اول برنامه تلویزیونی «۳۶۰ درجه» به ماجرای قطعی برق در کشور و تحلیل علت‌های آن می‌پردازد. به گزارش «وطن امروز»، این قسمت از برنامه «۳۶۰ درجه» ضمن بررسی معضل قطعی برق، به دلایل این موضوع پرداخته و کاهش تولید برق کشور را در مقایسه با سایرین گذشته بررسی می‌کند. این قسمت از برنامه، آخرین قسمت از فصل اول بوده و فصل دوم از ۲ هفته دیگر روی آنتن شبکه مستند خواهد رفت. «۳۶۰ درجه» مجموعه مستندهای اجتماعی، فرهنگی و سیاسی است که با توجه به اتفاقات و سوزنده‌های مهم جامعه در طول یک هفته تهیه و تولید می‌شود. به روز و به لحظه بودن موضوعات از ویژگی‌های اصلی این برنامه تلویزیونی است. «۳۶۰ درجه» با تهیه‌کنندگی و کارگردانی محمدهادی نعمت‌اللهی، جمعه هر هفته ساعت ۲۱:۳۰ از شبکه مستند پخش می‌شود.

تلویزیون

پخش فینال کودک‌شو از هفته آینده



بخش فینال مسابقه «کودک‌شو» از شبیه (۶ مردادماه) در شبکه نسیم آغاز می‌شود. به گزارش «وطن امروز»، سری دوم «کودک‌شو» به کارگردانی رضا مهرانفر و تهیه‌کنندگی رضا نصیری شهرضایی و ابوذر پورمحمدی از زمستان ۹۶ در ۲۲ هفته با حضور خانواده‌های مختلف و کودکان‌شان روی آنتن رفت. در پایان هر هفته از پخش این برنامه یک خانواده با رأی مردم برای شرکت در فینال مسابقه انتخاب شدند و حالا زمان آن رسیده که فینالیست‌های «کودک‌شو» با یکدیگر به رقابت بپردازند. بناسد در پایان سری دوم برنامه، خانواده برگزیده یک دستگاه آپارتمان را به عنوان جایزه خود دریافت کند. آپارتمانی که به نام فرزند خانواده برگزیده سند خواهد خورد. «کودک‌شو» با اجرای پژمان یازگی شبیه تا سه‌شنبه ساعت ۲۳ و جمعه‌ها ساعت ۲۰ از شبکه نسیم روی آنتن می‌رود.